

شده، اما حقیقت این است که بافت و زیرساخت فکری مردان جامعه ما همچنان مردانه است و نمی‌پذیرد که زنان در موقعیت برابر یا برتر از خودشان قرار بگیرند. اگر چه ممکن است در کلام از برابری سخن بگویند اما در عمل، ما چنین مسئله‌ای را نمی‌بینیم. به همین دلیل است که زنان با وجود شایستگی‌های‌شان در بیشتر مناصب عالی، رشد نمی‌کنند و ما کمتر شاهد رشد آنها هستیم.

**❏زنانی که در بدن ساختار سیاسی و حاکمیت حضور دارند، مانند «انسیه خزعلی» به‌عنوان معاون زنان ریاست جمهوری و همچنین زنان نماینده مجلس، چقدر در اقدام علیه مطالبات، حقوق و آزادی‌های زنان امروز ایران، نقش داشته‌اند؟ مثلاً به یاد داریم که زهره‌سادات لاجوردی، نماینده مجلس یازدهم زمانی گفته بود که کودک‌همسری مسئله مهم کشور نیست و موضوعی حاشیه‌ای است. درحالی‌که اقدامات قانونی علیه کودک‌همسری نیز یکی از مطالبات زنان امروز است.**

به نظر من مشکل این است که آنها از مسائل زنان شناختی ندارند و مطالبات زنان جامعه را نمی‌دانند. اگر درک درستی از این مسائل و مطالبات داشتند، شاید صدای‌شان آنقدر پایین نبود. آنها فکر می‌کنند تنها نیاز زنان تأمین نیازهای مادی‌شان در خانه و درس خواندن است و خواسته و مطالبه دیگری ندارند. در حالی که مسائل زنان اینها نیست. مثلاً حق خروج از کشور برای زنان براساس انتخاب خودشان یکی از مسائل و مطالبات است. امروز اگر زنی رئیس جمهور هم شود براساس قوانین باید از همسر خود اجازه بگیرد. اینگونه مسائل باید حل شود. برخی می‌گویند زن باید این مسئله را در زمان عقد و براساس شروط ضمن عقد حل کند، اما حقیقت این است که باید زنان اختیار زمانی یک زن نمی‌توانست برای فرزندش حساب بانکی افتتاح کند مگر اینکه همسرش فوت کرده یا مطلقه بود، اگر چه به نظر می‌رسد امروز این مسئله حل شده، اما به‌رحال این یک تنزل حقوق برای زنان بود. به نظر من، انسیه خزعلی و همفکران او مسائل زنان را به خوبی نمی‌شناسند و به همین دلیل نمی‌توانند تصویری متعالی از زنان برای زنان ارائه داده و حامی واقعی زنان باشند. خزعلی به‌عنوان معاون زنان رئیس جمهوری، می‌تواند در بهبود و ارتقای حقوق زنان از طریق لویاج مختلف اقدام کند و با توجه به اینکه امروز همه ارکان حکومت یک‌دست است، او راحت‌تر می‌تواند از حقوق زنان دفاع کند، اما اراده‌ای برای این کار ندارد. مثلاً قانون جامع ایثارگری، ایثارگر را شامل پدر، مادر، فرزند، همسر و شخص جانباز می‌داند. براساس قانون نباید از حقوق این افراد، مالیاتی کسر شود اما در حال حاضر مالیات

هیچ‌یک از این افراد کم نمی‌شود به‌جز همسر. هر قدر هم می‌پرسید چرا؟ می‌گویند، این قانون شامل همسران نمی‌شود و دولت کار خود را می‌کند. من سال گذشته همین مشکل را به خانم خزعلی اطلاع دادم، او به همین پاسخ بسنده کرد که «بله این حق واقعی زنان است، اما خب از قانون تخلف شده است.» آیا این پاسخ مناسبی است؟ او هیچ اقدامی در این زمینه نکرد، همانطور که زنان حاضر در مجلس نیز همین یک موضوع کوچک را به‌نفع همسران شهدا نتوانستند حل کنند، زیرا منع خشونت علیه زنان که در زمان ابتکار به دولت برده شد، امروز در مجلس مسکوت مانده و هیچ‌یک از نمایندگان زن و معاون زنان رئیس جمهوری، پیگیر تصویب این لایحه نیستند در حالی‌که می‌توانند چنین اقدامی کنند. بنابراین به نظر من انسیه خزعلی در این جایگاه نمی‌تواند مدافع حقوق زنان باشد. زمان ریاست‌جمهوری روحانی، نماینده او در شورای انقلاب فرهنگی زنان بودم. بعد از مدتی به این جمع‌بندی رسیدم که این شورایی خاصیت است. زیرا هم معاونت امور زنان داریم، هم استانداران و وزیران مدیرکل امور زنان دارند، برایم سوال شد که شورای انقلاب فرهنگی زنان قرار است چه مأموریتی را به انجام برساند؟ نامه‌ای به روحانی نوشتم و از او خواستم که این شورا را منحل کند، زیرا تنها برای دولت هزینه دارد. این شورا می‌گوید که مأموریتش سیاست‌گذاری است، نه اجرا. جالب اینکه معاونت امور زنان هم می‌گوید، کار ما سیاست‌گذاری و نظارت است. رویکرد سیاست هم که مشخص است. سوال این است که معاونت زنان باید بر چه چیزی نظارت کنند، بر اجرای قوانین؟ این نهاد حتی نظارت نمی‌کند و امروز می‌گوید که من قانون‌گذار نیستم. بنابراین به نظر من این معاونت از مفهوم خارج شده است. مدتی هم با بحث مطرح شد که معاونت زنان به وزارت زنان تبدیل شود. اما این تغییر هم مشکلی را حل نمی‌کند. مشکل دیدگاه و رویکرد مردسالارانه مردان مسئول است که زنان مسئول هم‌پی‌تفاوت از کنار آن می‌گذرند.

**❏به نظر شما چرا امروز موضوع زنان در ساختار حکمروایی ماتریدیل به محل مناقشه شده است؟ به این معنی که معاونتی برای امور زنان ایجاد می‌کنند، بعد می‌خواهند آن را تبدیل به وزارتخانه کنند درحالی‌که همان معاونت هم نمی‌تواند در عمل حمایتی از زنان جامعه داشته باشد.**
از طرف دیگر با زنانی با رویکردهای متفاوت فرهنگی و ارزشی، بر‌خورد‌های پلیسی- قضایی می‌شود اما در انتخابات از رأی دادن آزانانه زنان بدون حجاب سخن می‌گویند. از یک‌طرف اعلام می‌شود که موتورسواری زنان ممنوع است اما در مراسم ۲۲ بهمن، گروهی از زنان موتورسوار را به مراسم دعوت می‌کنند. علت این همه رفتارهای ضدوقتیض ساختار حاکم، در حوزه زنان و مطالبات آنها چیست؟

دلیل این موضوع را من بدفهمی و کج‌فهمی ساختار سیاسی از

دین می‌دانی. اینها دین را واقعاً نفهمیده‌اند. در مبانی دینی هرگز محدودیت‌هایی را که امروز برای زنان قائل شده‌اند، مشاهده نمی‌کنید. برخی گمان می‌کنند که از طرف خداوند آمده‌اند و می‌خواهند درباره همه مسائل تعیین تکلیف کنند و رویکرد شخصی خودشان را به مردم تحمیل کنند. این همان دیدگاه متحرجه‌انه‌ای است که در قالب‌های مختلفی خود را نشان می‌دهد، بنابراین به نظر من این‌ها نتوانسته‌اند درک درستی از مفهوم و منزلت زن در جامعه داشته باشند. در تاریخ ایران کم نبودند زنانی که در جامعه تغییرات بزرگی ایجاد کرده‌اند. مثلاً از سال ۱۹۲۷ زنان به‌شدت دنبال ایجاد تغییر در سن ازدواج دختران بودند و در نهایت در قانون مدنی پیش از انقلاب، سن ازدواج را به ۱۸ سال رساندند. بعد از انقلاب اما در یک عقبگرد، سن ازدواج دختران در قوانین دوباره همان ۹ سال شد و بعد از تلاش‌های زیاد فعالان حوزه زنان و کودکان، نهایتاً به ۱۳ سال رسید. نمی‌گویم همه دختران باید در ۱۸ سالگی ازدواج کنند اما معتمد رویکرد فعلی به چنین مسائلی نشان می‌دهد که برای ساختار سیاسی و قانون‌گذاری کشور، مرز بین یک زن بزرگسال بودن با دختر بچه بودن، روشن نیست و نمی‌توانند این موضوع را درک کنند که فردی ۱۸ سال به بالا اختیاراتی دارد و می‌تواند همسرش را انتخاب کند و ازدواجش را پیش ببرد اما یک دختر بچه ۱۳ ساله اختیار و اراده‌ای ندارد. او حتی از خودش هم شناختی ندارد، دختر بچه فقط بازی و تحصیل و هر آنچه مربوط به این سن هست را می‌شناسد، نه نقش اجتماعی و حق و حقوقش را. برای من تعجب‌آور است که چگونه در قانون ما اجازه می‌دهند یک دختر بچه با چنین شرایطی ازدواج کند. افزایش سن ازدواج دختران هم بخشی از حقوق زنان و کودکان است. دولت ایران عضو مجامع بین المللی و کنوانسیون حقوق کودک است که هر دو بر این موضوع تأکید می‌کنند که افراد تا پیش از ۱۸ سالگی کودک‌اند و بعد از این سن از کودکی خارج می‌شوند. اما ساختار سیاسی ایران هنوز این قاعده بین المللی را نپذیرفته‌است. متأسفانه ساختار سیاسی ایران قوانین بسیاری را در حوزه زنان رد کرده و نادیده گرفته‌مانند الحاق نکردن به کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان یا سند ۲۰۳۰. علت این رویکرد هم همان فهم نادرست از دین، جایگاه زنان در جامعه وزن بودن است. رویکرد فعلی، زن را به‌عنوان یک انسان مستقل و صاحب رأی نمی‌شناسد، بلکه او را فردی تابع همسر می‌داند که اگر همسر نداشته باشد، باید تحت تبعیت پدر یا برادر باشد.

در نگاه اینها زن چیزی بیش از این نیست.

**❏اعتراضات سال گذشته سرتیتز مطالبات معترضان، مرتبط با زنان بود و بسیاری از مردان نیز در این موضوع با زنان هم صدا شدند. برخی از شعارها و موارد مطرحه هم فشان داد که خشم جامعه نسبت به برخورد ساختار**

**سیاسی با مطالبات و جایگاه زنان کم نیست. با توجه به این موضوع نقش زنان را در پیشبرد خواسته‌های‌شان مانند آزادی‌های اجتماعی و برابری خواهی، در سال‌های آینده چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

معتمد آینده‌ای متفاوت در انتظار زنان ایران است. زنان امروز به جایگاهی رسیده‌اند که مطالبات‌شان را خودشان مطرح می‌کنند و منتظر نمی‌مانند که آقایان برای آنها تعیین تکلیف کنند. اگر با همین رویکرد پیشروی کنیم، می‌توانیم به نقطه‌ای برسیم که برابری میان زنان و مردان ایجاد شود. البته به این نکته توجه کنید که شهید مظهری در کتاب «نظام حقوق زن در اسلام» بسیار خوب این موضوع را تبیین کرده که برابری به‌معنای تشابه حقوق و تکالیف نیست. زن و مرد، دو جنسیت متفاوت بوده و به‌تبع آن ویژگی‌هایی متفاوت نیز دارند؟ اما خداوند هم در قرآن اشاره می‌کند که زن و مرد هر دو از یک جنس آفریده شده‌اند. بنابراین شخصاً معتمد که تساوی به‌معنی تشابه حق نیست، بلکه می‌گویم جایگاه‌ها و موقعیت‌های مورد مطالبه زنان، باید برایشان محفوظ بماند و از آنها سلب نشود. بنابراین ورود دیگران در مسئله حجاب زنان یا در مسئله برخورداری و برخوردار نبودن آنها از حقوق مختلف

شنبه ۱۹ اسفند ۱۴۰۲
سال دوم • شماره ۴۶۵

www.hammihanonline.ir

به نظر من همان اسرانیلیات است که بار دینی و حقوقی ندارد، بلکه رویکرد شخصی و فرهنگی این افراد است.
**❏در یک‌سال گذشته نقش زنان بسیار پررنگ‌تر از همیشه بوده.** از یک‌طرف هنوز هم زنان در عمل و گفتار بر سر مطالبات خود مانده‌اند و از طرف دیگر پاسخ به این مطالبات از سوی ساختار حاکم در موارد بسیاری با‌زداشت، تشکیل پرونده قضایی و امنیتی یا توهین از تریبون‌های رسمی بوده‌است به‌ویژه به زنان غیر معتقد به ارزش‌های مورد حمایت ساختار سیاسی. به نظر شما عملکرد و طرف این ماجرا (زنان و ساختار سیاسی)، حاوی چه پیامی برای یکدیگر و جامعه‌است؟

به نظر من پیام اصلی زنان به ساختار این است که شما دیگر نمی‌توانید به جای ما، برای ما تصمیم‌گیری کنید، ما خودمان تصمیم‌می‌گیریم که چگونه زندگی کنیم و چه چیزی را انتخاب کنیم. در واقع زنان دیگر تصمیم‌گیری از بالا به پایین و با رویکرد مردانه و مردسالارانه را در مسائل مربوط به خودشان بر نمی‌تابند. همانطور که گفتم زنان ایرانی می‌توانند در سال‌های آینده به این جایگاه عالی برسند که بدون مداخله مردان برای خودشان تصمیم بگیرند. آنها جایگاه خود را برای بروز توانایی‌ها، قدرت و رشد فکری خودشان در عرصه اجتماع و فرهنگ را به دست می‌آورند و امیدوارم به جایگاه خود در عرصه سیاسی نیز برسند. متأسفانه جایگاه سیاسی زنان در جامعه ما بسیار نا‌زل است، اما با توجه به اینکه زنان امروز با صدای بلند مطالبات خود را در همه عرصه‌ها بیان می‌کنند که به نظرم در آینده کمتر با این معضل مواجه باشیم، اما پیام ساختار سیاسی به زنان در واقع تلاشی است برای وادار کردن آنها به سکوت. پیام آقایان در ساختار سیاسی به زنان مطالبه‌گر این است که در شأن زنان نیست که وارد چنین مباحثی شوند و بخوانند برای خودشان تصمیم بگیرند، اما زنان امروز اگر نتوانند حضور اجتماعی و سیاسی پررنگی داشته باشند، موضوع را به‌منزله تنزل جایگاه و ارزش خود می‌دانند و به‌سادگی از کنار آن نمی‌گذرند. اگر چه مطالبات زنان به کندی پیش می‌رود، اما رسیدن به مطالبات جامعه زنان غیرممکن نیست، امروز دبیرکل یکی از احزاب قدرتمند کشور، یک زن است (آذر منصور، حزب اتحاد ملت) و این موضوع باید به سایر امور هم تسری یابد. نباید مدیران زن تنها در محیط‌های زنانه به کار گرفته شوند، بلکه در محیط‌های مردانه نیز زنان شایسته باید بتوانند اعمال مدیریت کنند.

**❏به نظر می‌رسد که ترکیب مجلس دوازدهم دست تندروها و حامیان جبهه پایداری است. به نظر شما تا زمانی که مجلس با چنین ترکیبی بر سر کار باشد، چه اتفاقی برای مطالبات و آزادی‌های موردنظر زنان در ابعاد مختلف رخ می‌دهد؟**

زنان حاضر در چنین مجلسی نمی‌توانند نقش آفرینی چندانی به‌نفع زنان داشته باشند، مگر اینکه زنی وارد مجلس شود که واقعاً استقلال رأی داشته باشد. هنوز مجلس‌شان شکل نگرفته است اما یکی از آنها می‌گوید، اولین مصوبه‌ای که به تصویب می‌رسانیم، همین لایحه حجاب است. آن زمان باید ببینند که زنان چگونه موضع می‌گیرند.

**❏ایا زنانی که در شکل‌گیری و پیروزی انقلاب ۵۷ مشارکت فعال داشتند، هرگز فکر می‌کردند که کار ساختار سیاسی بعد از انقلاب بزنان به چنین مقابله‌ای برسد؟**

در سال ۵۷ اصلاً چنین مباحثی مطرح نبود و زنان گمان نمی‌کردند که روزی نیاز باشد برای احقاقی خود محاجه (مباحثه) کنند. آنها در آن زمان به راحتی می‌توانستند به خیابان بیایند، در کنار مردان قرار گرفته و حرف بزنند، آنها می‌توانستند اسلحه به دست بگیرند. در آن زمان زنان بسیاری از کارها را می‌توانستند انجام دهند. اما بعد از تغییراتی که ایجاد شد و با قدرتمند شدن افراد تنگ‌نظر و خودمحور، به همان میزان جایگاه زن‌هم تنزل یافت و رابطه زنان و ساختار سیاسی، به تعارض کشیده شد.

#### آگهی فقدان سند مالکیت

**به نام:** مجید شیویاری فرزند حسن با کد ملی ۰۵۰۷۳۷۴۹۴۰ **به آدرس:** تهران، خانی‌آباد نو، خیابان میعاد شمالی (دشتی) کوچه ۳۶ پلاک ۲، طبقه ۳ با تسلیم یک برگ استشهاد مصدق به شماره به شرح وارده به شماره ۴۰۳۹۹۴۲ مورخ ۱۴۰۲/۱۱/۰۱ اعلام نموده سند مالکیت سه دانگ مشاع از شش‌دانگ یک دستگاه آپارتمان به پلاک ثبتی ه ۱۴۸۵ فرعی از فرعی ۱۱۴ اصلی، مفروز و مجزاشده از ۳۱۵۴ فرعی از اصلی مذکور، قطعه سوم در طبقه سوم و واقع در بخش ۱۲ ناحیه ه۲ حوزه ثبت ملک شهری استان تهران به مساحت ۶۶/۶۴ مترمربع که مقدار ۹/۸ مترمربع آن بالکن است به انضمام انباری ۳ ذیل ثبت ۵۷۶۵۶۸ صفحه ۳۴۳ دفتر ۲۳۲۲ به چایی ۱۸۱۶۱۳ به نام مجید شیویاری ثبت و سند صادر گردیده است و فاقد رهن می‌باشد و طبق واهی دفتر املاک در رهن نمی‌باشد که به علت جایه جایی مفقود گردیده تقاضای صدور المثنی سند مالکیت نموده است. لذا طبق ماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت مراتب در یک نوبت آگهی می‌شود تا هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله‌ای کرده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود می‌باشد باید تا ده روز پس از انتشار آگهی به این اداره مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله تسلیم نماید و اگر ظرف مهلت مقرر اعتراضی نرسد و یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت یا سند معامله ارائه نشود اداره ثبت المثنی سند مالکیت را طبق مقررات صادر و به متقاضی تسلیم خواهد کرد.

**گیرندگان رونوشت: ۱- اداره کل تحقیق و استرداد بنیاد مستضعفان - ۲- جهت اطلاع به ستاد اجرایی فرمان حضرت امام(ره)**

**سیدمهدی لامعی - رئیس واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهری/ از طرف سهراب عزیززاد**

م الف: ۱۳۲۲

#### آگهی فقدان سند مالکیت

متقاضی خانم معصومه کریمی گلبوس **آدرس:** تهران، خانی‌آباد نو، خیابان میعاد شمالی کوچه ۳۶ پلاک ۲، طبقه اول با تسلیم دو برگ استشهاد مصدق به شماره ۷۰۲۱۷۴ مورخ ۱۴۰۲/۱۰/۲۷ دفترخانه ۱۴ ری به‌شرح وارده ۲۴۰۳۹۹۳۷ مورخ ۱۴۰۲/۱۱/۰۱ اعلام نموده که شش‌دانگ یک دستگاه آپارتمان تحت پلاک ۱۴۴۸ فرعی از فرعی ۱۱۴ اصلی واقع در طبقه اول به مساحت ۶۶/۸۴ مترمربع به انضمام انباری قطعه اول به مساحت ۱۱/۵ مترمربع ذیل ثبت ۵۵۷۹۴۷ صفحه ۳۱۳ دفتر ۲۳۰۵ به چایی ۸۹۷۲۲ به نام معصومه کریمی گلبوس ثبت و سند صادر گردیده است. به علت جایه جایی منزل مفقود گردیده و تقاضای صدور المثنی سند مالکیت نموده است.

لذا طبق ماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت مراتب در یک نوبت آگهی می‌شود تا هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله‌ای کرده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود می‌باشد باید تا ده روز پس از انتشار آگهی به این اداره مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله تسلیم نماید و اگر ظرف مهلت مقرر اعتراضی نرسد و یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت یا سند معامله ارائه نشود اداره ثبت المثنی سند مالکیت را طبق مقررات صادر و به متقاضی تسلیم خواهد کرد.

**گیرندگان رونوشت: ۱- جهت اطلاع به ستاد اجرایی فرمان حضرت امام(ره) - ۲- اداره کل تحقیق و استرداد بنیاد مستضعفان**

**سیدمهدی لامعی - رئیس واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهری/ از طرف سهراب عزیززاد**

#### خبرسازان

### حقوق «زنان» در اولویت قانون گذار نیست



مینا جعفری

فعال حوزه زنان و وکیل دادگستری

قانون‌گذار عادی در کلیت خود، نگاه حمایتی کافی و وافی نسبت به حقوق زنان نداشته است و به‌همین دلیل هم شاهد قوانین حمایتی کامل و استخوان داری در این حوزه در مجموعه قوانین کشور نیستیم. به‌عنوان مثال لایحه «منع خشونت علیه زنان» از ۱۲ سال پیش تاکنون منتظر تصویب است اما به جایی نرسیده. این لایحه سال‌هاست میان دولت، قوه قضائیه و مجلس در رفت‌وآمد است و یک‌سال‌ی می‌شود که در مجلس خاک می‌خورد. این مسئله‌شان نمی‌دهد که رویکرد این سه قوه، به‌نتیجه نرسیدن این لایحه است. قانون‌گذار حتی به اصل ۲۱ قانون اساسی که بر تضمین همه‌جانبه حقوق زنان تأکید می‌کند هم توجه نکرده است. درواقع هرچه تاکنون در حوزه زنان به دست آمده، از طریق فعالیت‌های خود زنان بوده است، یعنی چانه‌زنی از پایین صورت گرفته‌است. به نظر می‌رسد قانون‌گذاری در حوزه زنان، به‌عنوان یک مسئله مهم شناخته نمی‌شود. به‌همین دلیل هم سرمایه‌گذاری چندانی روی آن نمی‌شود و تلاشی هم برای بهبود شرایط از سوی مقنن صورت نمی‌گیرد، زیرا مسئله زنان جزو اولویت‌های قانون‌گذار نیست.

به نظر می‌رسد کاربست طرح لویاج بی‌سرانجامی مانند منع خشونت علیه زنان و صحبت کردن درباره مسائل این قشر از جامعه در دولت، بیشتر برای طرح در مجامع بین‌المللی بوده است. به‌عنوان فردی که در دادگاه‌ها فعالیت می‌کنم شاهدم زنانی که مورد خطاب این قوانین‌اند، از این لویاج و حرف‌ها فایده‌ای نبرده‌اند و حتی اغلب برای احقاق حقوق‌شان با موانع بی‌شماری نیز مواجه شده‌اند. به‌عنوان مثال از یک طرف، زنان از حق طلاق محرومند و از طرف دیگر، مسیر گرفتن مهریه را نیز برای زنان بسیار سخت و محدود کرده‌اند. به بیان دیگر زنان در عمل حتی برای به دست آوردن یکی از حقوق کوچک خود که جنبه مادی و شرعی هم دارد، با مانع مواجه‌اند. متأسفانه برای تحقق حقوق سیاسی زنان که مدنظر قانون اساسی است نیز قانون‌گذاری نشده و این موضوع، مورد غفلت قرار گرفته‌است. به بیان دیگر افزون بر حقوق مادی و شرعی زنان که با فقدان رویکرد حمایتی جامع از سوی قانون‌گذار مواجه بوده‌اند، این بخش نیز مغفول مانده و در عمل نیز زنان با سقف شیشه‌ای مواجه‌اند.

جالب آنکه قانون‌گذاری که تصویب لایحه منع خشونت علیه زنان را سال‌ها معطل گذاشته، برای تدوین لایحه حجاب سرعت عمل به کار برده است. اما باید این مسئله مهم را در نظر داشت که در همه جوامع، قانون باید برآمده از خواست مردم باشد به‌همین علت هم به‌صورت منطقی مسئولان مربوطه باید ارزیابی کنند که مطالبه مردم مسئله‌ای مانند تدوین قانونی در خصوص حجاب است یا قوانین مرتبط با منع خشونت. اکنون پرسش این است که اگر ساختار سیاسی بخواهد خواسته خود را در قالب یک قانون به مردم تحمیل کند، آیا نام آن را می‌توان قانون منطبق با خواست واقعی مردم گذاشت؟ پاسخ به این سوال این است که چنین قانونی اگر چه به لحاظ ساختاری و شکلی، قانون است اما چون محتوای آن خواست مردم نیست مانند قانون ماهواره، روی زمین می‌ماند، مگر اینکه دولت با اجبار هم در بلندمدت محتمل‌تر نبوده و کارکرد خود را از دست می‌دهد. درواقع این سرانجام هر قانونی است که برآمده از منویات و مطالبات عمومی نباشد.

باید به این مسئله توجه کرد که قانون‌گذار را در همه جوامع، سلیم‌العقل و سلیم‌النفس می‌دانند؛ یعنی رکنی که باید براساس خواسته‌ها و خرد جمعی مردم تصمیم‌گیری کند و این امر رمز ماندگاری قوانین و منبع الهام‌بخش حقوق ملت است. در مورد حمایت از زنان از منظر قوانین، مسئله اساسی این است که رویکرد ساختار قانون‌گذاری و سیاسی کشور حمایت از زنان نیست. البته در برخی دولت‌ها از سوی معاونت زنان ریاست‌جمهوری به این موضوع توجه شد اما چون مطالبات زنان اولویت دولت‌ها نیست، فراموش می‌شود. به‌رحال با توجه به اینکه روز جهانی زنان بهانه‌ای برای بهبود وضعیت آنهاست، امیدواریم امسال در کشور ما دست کم یک قانون حمایتی برای زنان تصویب شود. ضروری است دولت‌ها به این موضوع توجه کنند که زنان، نیمی از جامعه و قوه‌ای محرک آن هستند و تا زمانی که این گروه مورد حمایت قرار نگیرند، جامعه پیشرفت نمی‌کند.